

قتل کاشقچی، نمایش مضحک یک قتل سیاسی بر صحنه‌ی وارونه جهان مهران زنگنه

معرفی بازیگران اصلی:

کاشقچی، مقتول: در یک خانواده‌ی آریستوکرات متولد شده است که رابطه‌ی تنگاتنگ با خاندان آل سعود داشته است. پدر بزرگش پزشک مخصوص شاه عربستان «بنیانگذار» دولت نئوکلونیاال عربستان بوده و عمویش دلال عمده‌ی اسلحه و از سازماندهندگان ایران-کنترا. دیگر افراد فامیلش، مثل الفایده و غیره نیز در همین سطوحند. خود او با اسامه بن لادن به مدرسه می‌رفته است، به او می‌توان به عنوان یکی از هم‌زمان اولیه‌ی بن لادن در جنگ مجاهدین در افغانستان نگریست که توسط سازمان سیا در چارچوب استراتژی «دام خرس» بر علیه روسیه سازمان یافته بود. (در عکس کاشقچی در میان مجاهدین دیده می‌شود).¹ او به عنوان مشاور با ترکی الفیصل وزیر سابق اطلاعات عربستان سعودی² همکاری می‌کرده است. حتی گفته می‌شود به احتمال زیاد در زمان ترکی الفیصل



برای این وزارتخانه کار اطلاعاتی نموده است.³

در جوانی به اخوان المسلمین پیوسته است که در دوران جنگ سرد غرب و دولت نئوکلونیاال عربستان استفاده‌ی ابزارگرایانه از آن بر علیه بلوک شرق و «ناسیونالیسم عرب» به خصوص در مصر، سوریه و جنبش فلسطین می‌کرده‌اند و امروز البته با توجه به فروپاشی بلوک شرق و «اضمحلال» نسبی ناسیونالیسم عرب از نقطه نظر غرب دیگر فعلا نیازی بدان نیست. اما با این سابقه‌ی درخشان در همکاری با رژیم عربستان و پیشبرد استراتژی آمریکا در منطقه چرا باید کاشقچی کشته شود؟

محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، قاتل: می‌توان گفت در داخل رژیم نئوکلونیاال عربستان تا پیش از ظهور این فرد و تعیین او به عنوان ولیعهد، علیرغم وجود سلسله مراتب، خاندان آل سعود در کل حاکم بوده است. «هم‌رانی» در کل این خاندان مانع ظهور شکاف در میان حکام و بنابراین به عنوان

¹ منبع عکس:

<https://twitter.com/pspoole/status/1050804806997151745>

² ترکی الفیصل بواسطه‌ی اعلام مرگ مسعود رجوی در یکی از جلسات مجاهدین و خبر تأیید نشده‌ی ازدواج مریم رجوی با او، و به اعتبار نقش او در استراتژی نئوکلونیاال «تغییر رژیم» آمریکا در ایران منجمله از طریق این سازمان نیز بین ایرانیان مشهور است.

³ <https://www.youtube.com/watch?v=DKLFCtiR3XQ>

مکانیسمی برای تداوم رژیم عمل می‌کرده است. بر بستر فساد حاکم بر این خاندان وجه غالب در شیوه‌ی تولید «هم‌رایی» خرید «مخالفین» و تولید مراکز صوری قدرت و توزیع آنان بین خیل پرنس‌ها بوده است.

انتخاب محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد، به «سیستم» حاکمیت خاندان که بر اساس آن می‌بایست محمد بن نائف (ولیعهد سابق) به پادشاهی عربستان برسد، «پایان» داد یا بهتر است گفته شود، قرار بوده است پایان دهد. در شرایط فعلی در عربستان دیگر نمی‌توان به طور قطعی از حاکمیت آل سعود حرف زد، بلکه می‌باید از حاکمیت آل سلمان و یا حداقل از دوران گذار از یکی به دیگری حرف زد که با این اتفاق دچار اختلال شده است. این تغییر (گفته می‌شود) به همت ترامپ و کوشنر صورت گرفته است⁴ که احتمالاً، برای تحقق عملی «معامله‌ی قرن» و پایان دادن به مسئله‌ی فلسطین بر اساس طرح رژیم آپارتاید اسرائیل چنین تغییری را ضروری دیده‌اند، ضرورتی که شاید بتوان آن را بر بستر مخالفت توده‌های عرب و بخشی از حکام عرب حاکم بر منطقه، ترکیه‌ی اردغان و بالاخره حکومت ایران با طرح و پیش‌بینی اتحادهای جدید در سطح منطقه در صورت اجرای آن توضیح داد. گفته می‌شود کوشنر در سرکوب اعضای خاندان آل سعود با دادن اطلاعات به محمد بن سلمان با او همکاری می‌کرده است و حتی در طراحی دستگیری و سرکبسه کردن شاهزادگان عربستان در گذشته نیز نقشی داشته است.⁵

در واقع «رفرمی» که با «اجازه» رانندگی زنان، سینما و اجازه‌ی تماشای مسابقات ورزشی توسط زنان در سطح اجتماعی به عنوان آزادی با حمایت و کمک تبلیغاتی رسانه‌های غربی به خورد جهان داده شد، در وجه سیاسی چیزی نبود و نیست جز تغییر در تناسب قوا در سطح حاکمیت در عربستان و تبدیل آن به حکومت مطلقه‌ی فردی. لویی چهارده به شکل بدل مسخره‌ای، محمد بن سلمان، سر از گور برآورده است و دوباره، البته این بار به عربی، می‌گوید: قانون منم. (در این جمله چکیده‌ی رفرم سیاسی در عربستان را می‌توان دید.) مسخره بودن چنین گفته‌ای همچون عنوان شاه شاهان در رژیم کودتا و نئوکولونیال پهلوی در یک رژیم نئوکولونیال مثل عربستان که ترامپ و جارد کوشنر علنی اعلام کرده‌اند: «مردشان را به قدرت رساندند»⁶ و به بیان دیگر ولیعهد را تعیین کرده‌اند نیاز به توضیح ندارد. از آن مضحک‌تر نسبت دادن لفظ اصلاحات به این روند در نشریاتی است که اینک مقتول را بدل به سمبل ژورنالیسم انتقادی کرده‌اند.

شکاف در هیئت حاکمه (خاندان آل سعود) با این دستگیری‌ها، شکنجه و قتل برخی (ظاهراً در «تصادفات») به اوج خود رسید. شکافی که نمی‌توان آن را به سادگی مرمت کرد. بر بستر این شکاف بی سابقه در هیئت حاکمه مسئله قتل و یا ربودن و بازگرداندن کاشقجی به عربستان معنا پیدا می‌کند. ابتدا به ساکن با ابوخالده، پروفیسور عرب منجمه متخصص عربستان، می‌توان گفت که کاشقجی فقط در این شکاف سمت غلط را انتخاب کرده است.⁷

کاشقجی (مبلغ رژیم سعودی به هیئت روزنامه نگار) که پس از مرگش توسط برخی از رسانه‌های غربی، به همان سیاق که سان سوچی سمبل صلح و حقوق بشر در برمه شد، بدل به سمبل

⁴ <https://www.middleeastmonitor.com/20181023-the-true-saudi-story/>

⁵ <https://medium.com/s/story/two-princes-kushner-khashoggi-and-the-kingdoms-mbs-567c8cd4e1c5>

ریچارد اسپنسر (نویسنده‌ی تایمز) حتی فراتر می‌رود، و از امکان دخالت اسرائیل در قتل کاشقجی حرف می‌زند.

<https://www.middleeastmonitor.com/20181011-the-disappearance-of-jamal-khashoggi-and-the-israel-saudi-alliance/>

⁶ به نقل از:

<https://www.middleeastmonitor.com/20181023-the-true-saudi-story/>

⁷ <https://www.youtube.com/watch?v=zRG8IA3v0sg>

روزنامه‌نگاری انتقادی شد⁸، هیچگاه مخالفتی با رژیم عربستان در کل نداشته است و به عنوان مشاور با خاندان آل سعود همکاری می‌کرده است. خود او هیچگاه خود را جزئی از اپوزیسیون عربستان ندانسته است و اصرار داشته است بگوید به اپوزیسیون تعلق ندارد.⁹

کل مواضع «ناسازگار» کاشقجی در مقایسه با مواضع محمد بن سلمان، اگر اصولاً بتوان آنان را ناسازگار تلقی کرد، عبارتند از: نیازی به «زندانی» کردن رهبران عرب (مثل بن طلال و صدر حریری که به گفته‌ی خود کاشقجی حامی رژیم نیز هستند) نبوده است یا او از امکان ادغام جنبش مردمی خواهان دموکراسی (در بهار عرب)، و اسلام سیاسی (منجمله اخوان المسلمین) در سیستم و جلب آنان به عنوان حامی بن سلمان گفته است.¹⁰ طبعاً موضع او در مورد فلسطین که تا پیش از ولیعهدی محمد بن سلمان و پیوستن عربستان به معامله قرن یعنی پذیرفتن خواست اسرائیل با موضع رسمی این کشور تفاوت جدی‌ای نداشت اهمیت ویژه‌ای دارد.

بدین ترتیب کاشقجی، که در زمان حیاتش مبلغ اسلام سیاسی (از ایده‌های سلفی گرفته تا جریان راست اخوان المسلمین به سبک قطر، ترکیه) بوده است، در چارچوب تحکیم استبداد اسلامی-سلفی-فردی قربانی شد. «نیرنگ عقل» (هگل) گویا می‌خواهد معنایی به مرگش ببخشد که مقتول از آن اجتناب می‌کرده است. صرفنظر از تاثیری که مرگ کاشقجی در افکار عمومی (به خصوص در عربستان) می‌تواند به جا نهد، این قتل می‌تواند، اگر منجر به کنار گذاشتن قاتل بشود، معامله‌ی قرن اسرائیل را به خطر بیافکند، و از طریق پیوند خوردن آن با انتخابات میان دوره‌ای در آمریکا و در نتیجه تاثیر آن بر تناسب قوا در آمریکا نتایج فراملی داشته باشد.

کاشقجی، در مرگش احتمالاً آغاز پایان محمد بن سلمان را بشارت می‌دهد، اگر جانشینی برای او پیدا بشود که با آمریکا هماهنگی بدون قید شرط داشته باشد و یا راه را برای بازگشت آل سعود چون گذشته باز کند. برادر کوچکتر او خالد گویا برای ایفای نقش در این نمایش مسخره کاندید شده و خاندان آل سعود ظاهراً می‌خواهد به رویای حاکم فردی محمد بن سلمان پایان دهد.¹¹

ترامپ: در واقع این انتخابات میان دوره‌ای در آمریکا است که باعث شد قتل کاشقجی ابعدی بین‌المللی بیابد، در غیر این صورت مسئله حداکثر در سطح منطقه می‌ماند. برای حزب دموکرات مرگ کاشقجی، نه قتل یک انسان، بلکه جلب آراء مردم معنا می‌دهد. دستگاه‌های تبلیغاتی این حزب و مخالفان ترامپ به کار افتاده‌اند و امر روزمره (قتل سیاسی) در عربستان را بواسطه‌ی ربط ترامپ-کوشنر (و بنابراین حزب جمهوریخواه) با محمد بن سلمان بدل به امری ویژه کرده‌اند و موضوع کارزار انتخاباتی. در ابتدا روزنامه نگاران و تحلیل‌گران جبهه‌ی ترامپ به میدان آمدند تا نشان دهند که تا سوابق کاشقجی چیستند و به نوعی، به طور ضمنی، قتل را «مشروع» جلوه دهند. به کاشقجی

⁸ برای اطلاع از سوابق روزنامه‌نگارانه‌ی کاشقجی به ویدئوی زیر و به گفتار اسد ابوخالد توجه شود: در این گفتار ابوخالد به نقش کاشقجی در دستگاه تبلیغاتی عربستان، همکاری او با پرس‌های مختلف و نشریات آنان و بدل شدن به مرجع رسانه‌های اصلی طرفدار غرب در مورد عربستان اشاره دارد.

<https://www.youtube.com/watch?v=zRG8IA3v0sg>

⁹ در آخرین مصاحبه‌هایش نیز حرفش همین بوده است:

https://www.democracynow.org/2018/10/23/rula_jebreal_my_secret_interview_with?utm_source=Democracy+Now%21&utm_campaign=0b7aacbb6c-

[Daily Digest COPY 01&utm_medium=email&utm_term=0_fa2346a853-0b7aacbb6c-192212673](https://www.democracynow.org/2018/10/23/rula_jebreal_my_secret_interview_with?utm_source=Democracy+Now%21&utm_campaign=0b7aacbb6c-Daily Digest COPY 01&utm_medium=email&utm_term=0_fa2346a853-0b7aacbb6c-192212673)

¹⁰ بر گرفته از ویدئو زیر که جزء آخرین مصاحبه‌های کاشقجی است و گفته می‌شود علت باواسطه‌ی قتل است:

<https://www.youtube.com/watch?v=3s3A27EqoXw>

¹¹ <https://www.zerohedge.com/news/2018-10-19/saudi-allegiance-council-meeting-secret-consider-mbs-replacement-report>

نسبت ضد یهود و غیره داده شد.¹² اما تناسب قوای شکننده ترامپ و حزب جمهوریخواه را وادار کرد برای عقب نیافتادن از قافله به همسرایان بپیوندند و محمد بن سلمان را به زیر سؤال ببرند. ترامپ (شخصیت دیگر مضحک در این نمایش) که گویا زبان دیپلماسی (زبان رایج در نمایش‌های وارونه) را هنوز یاد نگرفته است، گفته است که از قرار چند صد میلیاردی به خاطر این اتفاق نمی‌گذرد، البته احتمالاً به او گفته‌اند، به رسم رایج در نمایش وارونه بگویند، و او گفته است نه به خاطر سود شرکت‌ها و صنایع اسلحه‌سازی بلکه به خاطر کارگران و کارمندانی که از قبل کار در صنعت آدمکشی نان می‌خورند، از این قرارداد نمی‌گذرد و آن را به خطر نمی‌اندازد. اما منوخین (وزیر مالیه) که گفته بود ممکن است به «داووس صحرا» نرود، گویا وزیر نتان یاهو است و نه ترامپ، پس از ملاقات با نتان یاهو اعلام کرد در این جلسات شرکت می‌کند. آیا محمد بن سلمان رفتنی است؟ مارتین ایندیک (سفیر سابق آمریکا در اسرائیل) در واقع نارضایتی بخشی از رژیم آمریکا را در مورد او دقیق صورتبندی کرده است: «مسئله این است که تحت محمد بن سلمان، عربستان سعودی بدل به یک شریک غیر قابل اتکا شده است که به نظر می‌رسد هر حرکتش بیشتر به ایران کمک می‌کند تا مانعی برای آن باشد. [مثل] دخالت در یمن...»¹³ به گفته‌ی او مثال‌های محاصره‌ی اقتصادی قطر، دستگیری حریری، دستگیری اعضای خاندان سلطنتی و ... را می‌توان افزود. با این کارنامه و شکست‌های پیاپی عربستان در مقابله با ایران، فقط یک امر مانع از تغییرات ناگهانی در عربستان است: تحریم‌های ایران و نقش عربستان و اوپک در این تحریم‌ها. به سؤال فوق، اگر ایران مسئله‌ی مرکزی آمریکا در منطقه نبود، می‌شد با قطعیت پاسخ داد و گفت محمد بن سلمان رفتنی است. اما در شرایطی که چند هفته‌ی دیگر تحریم‌های ایران شروع می‌شوند، و استحکام جبهه‌ی ضد ایرانی را نمی‌توان به خطر افکند، قاتل، محمد بن سلمان، شاید به بقایش ادامه بدهد. در این حالت او مدیون وجود دشمن خویش است. عناصر مسخره‌ی دیگر این نمایش: اردوغان که خود دست کمی از محمد بن سلمان ندارد قرار است در این نمایش نقش «روشنگر» را ایفا کند و از آن خنده‌دارتر: قاتل، محمد بن سلمان، که گفته می‌شود لحظاتی قبل از قتل با مقتول تلفنی صحبت کرده است¹⁴، توسط پدرش به رئیس هیئتی منصوب شده است که قرار است قاتلان را به جزای اعمال برساند. این نمایش مسخره هنوز ادامه دارد و معلوم نیست به کجا ختم می‌شود. مشخص است اما که «روح» کاشغی در مرکز کابوس هر شب خاندان آل سلمان قرار دارد. چرخش آن بر فراز کاخ‌های عربستان احتمالاً فقط اما تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد، که بین دموکرات‌ها و جمهوریخواهان آمریکا بر سر محمد بن سلمان توافق صورت بگیرد و انتخابات در آمریکا چگونه پایان یابد. این نمایش مسخره اما یکبار دیگر به عنصر تراژیک زمانه اشاره دارد: «بیک برابر یک نیست» (گلسخی). امروزه در جهان انسان باید «مزدور» باشد تا اعتراض به قتلش جهانگیر شود و نه کودک یمنی.

¹² <https://townhall.com/columnists/larryprovost/2018/10/24/khashoggi-writings-reveal-antisemitism-pro-shariaism-n2531301>

یا

<https://slate.com/news-and-politics/2018/10/new-republican-line-jamal-khashoggi-was-no-angel.html>

¹³ https://twitter.com/Martin_Indyk/status/1053810956214636544

یا نگاه شود به ویدئو زیر:

https://www.youtube.com/watch?v=vTLOQSO_I0Q

¹⁴ <https://www.news.com.au/world/middle-east/new-bombshell-in-jamal-khashoggi-murder-implicates-crown-prince/news-story/538bdec086f0c4e833f33b2c5464c7de>